

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۰۸ سپتمبر ۲۰۲۲



محمد محق

سیلاب‌های پاکستان، قدرت اتومی به چه کار می‌آید؟

سیلاب‌های اخیر در پاکستان به گفته مسؤولان آن کشور به یک سوم آن سرزمین آسیب رسانده است. هر چند تغییرات اقلیمی در مناطق مختلفی از دنیا سبب آسیب‌هایی شده است، اما در کشورهایی مانند پاکستان که از فقدان زیرساخت‌های لازم برای مقابله با حوادث رنج می‌برند این زیان چندین برابر بیشتر بوده است. پیامدهای زیان‌بار این حوادث بر ابعاد گوناگونی از زندگی ده‌ها میلیون شهروند آن سرزمین سایه خواهد انداخت و دامنه آن به افغانستان و منطقه نیز خواهد رسید.

چرا کشوری که خود را یکی از قدرت‌های اتومی جهان می‌داند در برابر چنین حوادثی به شدت آسیب‌پذیر است؟ و اگر روزی فرضاً جنگی اتومی رخ بدهد آیا بیشتر از یک سوم کشور را در هم خواهد کوبید؟ ناتوانی پاکستان در توجه به تکمیل زیرساخت‌ها ریشه در رویکرد نظامی‌گری گردانندگان قدرت در آن کشور دارد که همه تصمیم‌های بنیادی را در چنگ دارند. در تمام عمر این کشور، رهبران سیاسی پاکستان نقش درجه دوم داشته‌اند، زیرا تنها برای مدت محدودی در موافقت با نظامیان توانسته‌اند نقشی بازی کنند، اما هیچ‌گاه اجازه نداشته‌اند در گرفتن تصمیم‌های اساسی سهمی داشته باشند. در پیش گرفتن این سیاست باعث شد تا اولویت آن کشور تقویت اردو، دست یافتن به اسلحه پیشرفته و مجهز شدن به بم اتم باشد. برخورداری از قدرت اتومی به غرور دستگاه‌های نظامی آن کشور انجامید و آنان را از پرداختن به خواسته‌های اساسی شهروندان بی‌نیاز کرد. از نظر افتادن شهروندان در سیاست‌های پاکستان و استفاده ابزاری و شعاری از برخی نیازهای آنان برای براندازی حکومت‌های غیر نظامی، از عواملی بود که اجازه نداد به رفاه مردم توجهی صورت بگیرد، و زیرساخت‌های آن کشور، که یکی از گام‌های مهم در این راستا بود، متناسب با حجم فزاینده نفوس آن توسعه نیافت و نتیجه این شد که تنها با یک سیلاب زندگی ده‌ها میلیون تن از شهروندان متلاشی شد. البته داشتن بم اتم در جای خود اهمیت دارد، به شرطی که پیش از آن مشکلاتی مانند فقر، محرومیت، بی‌سوادی، فاصله‌های طبقاتی و تنش‌های اجتماعی به حد اقل رسیده باشند.

افزون بر آنچه گفته شد، پاکستان از رشد سرسام‌آور نفوس که با منابع طبیعی آن همخوانی ندارد، نیز رنج می‌برد. اگر چه نیروهای مترقی آن کشور که در اقلیت هستند از چندین دهه به این سو بر ضرورت کنترل جمعیت تأکید می‌کنند، اما نبض مردم عادی آن جامعه به دست رهبران مذهبی، مدارس دینی و مساجدی است که اغلب آن‌ها در کنترل نیروهای تندرو قرار دارد. بخش وسیعی از این نیروها بر افزایش نفوس تأکید کرده و آن را جنبه‌ی تعبدی می‌دهند. هر کشوری که با رشد سرسام‌آور نفوس دست به گریبان باشد، حتی اگر دولتمردانش اراده‌ی بهبود وضعیت را داشته باشند، در عمل در باتلاق مشکلات خود غرق خواهد شد. یکی از علت‌های رشد افراط‌گرایی در این کشورها نیز همین رشد بی‌رویه‌ی نفوس است، زیرا طبقات محروم جامعه که دسترسی به آموزش سالم در مدارس عصری ندارند ناچار می‌شوند به آموزش مسموم و رایجانی روی بیاورند که عمدتاً از سوی گروه‌های تندرو ارائه می‌گردد. افزایش نفوس از یک سو، و بی‌توجهی یا ناتوانی دولت در توسعه‌ی زیرساخت‌ها از دیگر سو، هر کشوری را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد. وضعیت کنونی پاکستان درس عبرتی است برای افغانستان و هر کشوری که اولویت‌هایش را نشناسد.